

فلسفه و منطق

۱-گزینه «۲» - گزاره‌های مطرح شده در سایر گزینه‌ها هر یک در علوم گوناگون و به روش‌های تجربی و علمی و قابل بررسی است. در حالی که محتوای گزینه «۲» فلسفی است و صرفاً با استفاده از روش عقلی و استدلالی قابل بررسی است. در گزینه «۲» به اصل علت که قاعده‌ای عقلی است اشاره شده است. بنابراین صرفاً توسط استدلال محض بررسی می‌شود. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس اول - چستی فلسفه - صفحه ۱۰) (متوسط)

۲-گزینه «۳» - اصلاً دروازه جهان برتر به روی واقفان گشوده نمی‌شود و آن‌ها وارد جهان معقول نمی‌شوند؛ بنابراین گزینه «۳» نادرست است. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس اول - چستی فلسفه - صفحه ۵ و ۶) (آسان)

۳-گزینه «۲» - تنها عبارت «د» صحیح است. تلاش و همت بشر برای پاسخ قانون‌مند موجب ظهور دانشی به نام فلسفه شده است. علت نادرستی عبارت «الف»: همه انسان‌ها در طول زندگی خود با پرسش‌های فلسفی روبه‌رو می‌شوند، زیرا این پرسش‌ها از انسان جدا نیستند. علت نادرستی عبارت «ب»: در آخرین مرحله تحولات معنایی واژه فلسفه این لغت به معنای دانش خاص به کار رفت.

علت نادرستی عبارت «ج»: برخی از افراد از آغازین روزهای حیات فکری اهمیت پرسش‌های فلسفی را دریافته‌اند از آغازین روزهای حیات انسان. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس اول - چستی فلسفه - ترکیبی) (متوسط)

۴-گزینه «۴» - فلسفه از جهت موضوع و روش با دیگر دانش‌ها متفاوت است. از جهت موضوع که درباره بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین موضوعات جهان و انسان بحث می‌کند و از جهت روش نیز صرفاً با توانایی عقل و استدلال‌های عقلی می‌توان به حل مسئله آن پرداخت. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس اول - چستی فلسفه - صفحه ۸ تا ۱) (آسان)

۵-گزینه «۱» - مفهوم حکومت به فلسفه سیاست باز می‌گردد که از شاخه‌های فلسفه می‌باشد. (فلسفه مضاف) زیبایی‌شناسی به مفاهیم عمیق و اصلی زیبایی شناختی مربوط می‌شود. لذا فلسفه مضاف و شاخه فلسفه به حساب می‌آید. ماهیت اعداد در فلسفه ریاضی بررسی می‌شود. زیرا بنیادی‌ترین مسئله در ریاضیات است. علم هنر هم یک دانش خاص است زیرا به مسائل مربوط به حیطه هنر می‌پردازد بنابراین گزینه «۱» صحیح است. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس دوم - ریشه و شاخه‌های فلسفه - صفحه ۱۳ و ۱۴) (دشوار)

۶-گزینه «۲» - سوفیست‌ها معتقد بودند که هر کس هر چه می‌فهمد همان فهم برای او در حکم حقیقت و واقعیت است، پس حقیقت امری نسبی است و مطلق نیست. (ردّ گزینه «۳» و در هر فردی متفاوت و تغییرپذیر است (ردّ گزینه «۱») همچنین مطابق با متن کتاب درسی دغدغه برخی از سوفیست‌ها نه همه آن‌ها بیان واقع نبود و این گروه چون پیروزی بر رقیب خود را مهم‌ترین هدف می‌دانستند از این رو در استدلال‌های خود از مغالطه استفاده می‌کردند که در ظاهر درست و در واقع غلط بود. (ردّ گزینه «۴») (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس اول - چستی فلسفه - صفحه ۷) (دشوار)

۷-گزینه «۴» - فلاسفه‌ای مانند افلاطون، ارسطو و ابن‌سینا در هستی‌شناسی معتقد به ماورالطبیعه هستند و در انسان‌شناسی علاوه بر بدن روح را پذیرفته‌اند که کاملاً مغایر با مکاتب فلسفی فلاسفه‌ای همچون مارکس، هگل و کانت می‌باشد. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس دوم - ریشه و شاخه‌های فلسفه - صفحه ۱۷) (متوسط)

۸-گزینه «۳» - فلسفه اولی همان وجودشناسی است. معرفت‌شناسی درون وجودشناسی قرار می‌گیرد. بنابراین نسبت بین آن‌ها عموم و خصوص مطلق است. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس دوم - ریشه و شاخه‌های فلسفه - صفحه ۱۳) (متوسط)

۹-گزینه «۱» - اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزئی از آن بود اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیاز نداشت و تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود. علت ردّ گزینه «۲»: کاملاً برعکس، در صورت عینیت وجود و ماهیت اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیاز نداشت.

علت ردّ گزینه «۳»: متفاوت بودن حمل وجود بر ماهیت و حمل ماهیت بر خودش بیانگر مغایرت وجود و ماهیت است نه عینیت آن‌ها. علت ردّ گزینه «۴»: در صورت عینیت وجود و ماهیت هیچ ماهیتی برای اثبات وجود به دلیل نیاز نداشت نه فقط برخی از آن‌ها. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۶) (متوسط)

۱۰-گزینه «۳» - نخستین گام برای درک نسبت میان هستی و چستی (وجود و ماهیت) این است که بپذیریم در جهان واقع و جهان خارج از ذهن، واقعیت‌هایی وجود دارد و میان امر واقعی و غیر واقعی تفاوت است. پس از پذیرش اصل واقعیت مستقل از ذهن است که می‌توانیم هستی و چستی را تفکیک کنیم و بشناسیم. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس اول - چستی فلسفه - صفحه ۲) (متوسط)

۱۱-گزینه «۱» - با درک وجود یک چیز ماهیت آن برای ما روشن نمی‌شود و این خود دلیلی برای تغایر وجود و ماهیت می‌باشد. علت ردّ گزینه «۲»: ماهیت و وجود در عالم ذهنی یکسان نیست بلکه دو مفهوم مغایر هستند.

علت ردّ گزینه «۳»: به صرف تصور یک موجود آن موجود در عالم واقع وجود پیدا نمی‌کند و این دلیلی برای تغایر وجود و ماهیت است نه عینیت آنها. علت ردّ گزینه «۴»: وجود و ماهیت در خارج از ذهن دو مفهوم از یک موجودند که به یک چیز واحد تعلق می‌گیرند نه این که جمع یا ترکیب شده باشند.

(نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۳) (متوسط)

۱۲-گزینه «۴» - از نظر فلسفی آب موجودی واحد است که دارای دو مفهوم (چستی آب و وجود داشتن آب) است و جنبه‌های آن به این معنی نیست که دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند.

(نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۴) (متوسط)

۱۳-گزینه «۲» - ماهیت و وجود اشیا در ذهن از هم جداست و این یعنی مغایرت آن دو مفهوم که از انتزاع ذهنی ناشی می‌شود.

(سراسری) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۴) (متوسط)

۱۴-گزینه «۴» - عارض بودن وجود بر ماهیت یعنی همان مغایرت وجود و ماهیت. در گزینه «۴» چون شناخت ماهیت به معنای پی بردن به وجود آن ماهیت نیست پس وجود و ماهیت با هم مغایرت دارند. در صورت عینیت وجود و ماهیت به صرف تصور یک موجود وجودش برای ما ثابت می‌شد که البته محال است. بررسی سایر گزینه‌ها:

ردّ گزینه «۱»: چنین چیزی محال است چون لازمه آن عینیت وجود و ماهیت است.

ردّ گزینه «۲»: درست برعکس! ممکن است وجود یک چیز را تشخیص دهیم اما ندانیم آن چیست.

ردّ گزینه «۳»: این عبارت تکرار عبارت مغایرت وجود و ماهیت است با بیانی دیگر نه دلیل آن!

(نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - ترکیبی) (دشوار)

۱۵-گزینه «۲» - در سایر گزینه‌ها حمل محمول برای موضوع جزو ذات و ماهیت آن می‌باشد. ولی در گزینه «۳» حمل جودانه بودن برای خدا جزو تعریف خداوند نیست و اثبات آن به دلیل نیاز دارد. (نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۵) (متوسط)

۱۶-گزینه «۳» - انسان و وجود دو مفهوم متفاوت هستند. به همین دلیل حمل یکی بر دیگری ضروری نیست. یعنی نمی‌توان گفت قضیه «انسان موجود است» قطعاً درست است. زیرا انسان می‌تواند موجود باشد و می‌تواند موجود نباشد. پس نیازمند دلیل و تبیین است. این دلیل یا حسی و تجربی است یا تحمیلی محض.

(نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۵) (دشوار)

۱۷-گزینه «۳» - توماس آکویناس با فلسفه ابن‌سینا آشنایی داشت (ردّ گزینه «۱») و در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد (ردّ گزینه «۲») و او همچون ابن‌سینا نظریه مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد. (ردّ گزینه «۴») (نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۶ و ۷) (متوسط)

۱۸-گزینه «۲» - تنها عبارت «د» صحیح است و سه عبارت دیگر غلط هستند. عبارت «الف» نادرست است زیرا دو مفهوم هستی و چستی در کنار هم بکار می‌روند نه مقابل یکدیگر عبارت «ب» نادرست است زیرا لزوماً هر چیزی که دارای ماهیت است موجود نیست مثل اسب شاخدار، سیمرغ و عبارت «ج» نادرست است زیرا امکان دارد ما به وجود چیزی برخورد کنیم اما هنوز پی به ماهیتش نبرده باشیم مثل برخی ویروس‌ها یا اجرام آسمانی و

عبارت «د» صحیح است زیرا ماهیاتی مانند ققنوس، دیو فقط قابل تصورند و وجود ندارند که این نشان دهنده مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است.

(نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - ترکیبی) (متوسط)

۱۹-گزینه «۳» - شکل چهارضلعی و مربع در عالم ذهنی با هم تغایر و تفاوتی ندارند. زیرا هر دو یک مفهوم واحد هستند و تفاوت آن‌ها صرفاً در گستردگی‌شان است یعنی شکل چهارضلعی گسترده مفهوم مربع است. اگر چهارضلعی بودن را بر مربع حمل کنیم حمل ما اولی ذاتی می‌باشد و چون چهار ضلعی بودن برای مربع جزو ذات آن است و در تعریف مربع آمده است نیازمند دلیل نخواهیم بود.

(نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۵) (متوسط)

۲۰-گزینه «۳» - وجود و ماهیت دو مفهومی هستند که در ذهن با هم مغایر هستند و در خارج از ذهن این دو مفهوم از امری یگانه انتزاع می‌شوند نه اینکه دو مفهوم در خارج عین هم باشند. پس در عالم خارج از ذهن دو امر جداگانه نداریم و دوجیز جدا یا ترکیب شده نیستند بلکه دو جنبه از یک چیزند.

اختلاف وجود و ماهیت در ذهن ← مقبول

زیادت وجود و ماهیت در عالم خارج ← مردود

عینیت وجود و ماهیت در ذهن ← مردود

(نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - هستی و چستی - صفحه ۴) (دشوار)

۲۱-گزینه «۳» - نخستین گام برای درک نسبت میان هستی و چستی (وجود و ماهیت) این است که بپذیریم در جهان واقع و جهان خارج از ذهن، واقعیت‌هایی وجود دارد و میان امر واقعی و غیر واقعی تفاوت است. پس از پذیرش اصل واقعیت مستقل از ذهن است که می‌توانیم هستی و چستی را تفکیک کنیم و بشناسیم. (نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس اول - چستی فلسفه - صفحه ۲) (متوسط)

۲۲-گزینه «۱» - با درک وجود یک چیز ماهیت آن برای ما روشن نمی‌شود و این خود دلیلی برای تغایر وجود و ماهیت می‌باشد. علت ردّ گزینه «۲»: ماهیت و وجود در عالم ذهنی یکسان نیست بلکه دو مفهوم مغایر هستند.

علت ردّ گزینه «۳»: به صرف تصور یک موجود آن موجود در عالم واقع وجود پیدا نمی‌کند و این دلیلی برای تغایر وجود و ماهیت است نه عینیت آنها. علت ردّ گزینه «۴»: وجود و ماهیت در خارج از ذهن دو مفهوم از یک موجودند که به یک چیز واحد تعلق می‌گیرند نه این که جمع یا ترکیب شده باشند.

علت ردّ گزینه «۳»: به صرف تصور یک موجود آن موجود در عالم واقع وجود پیدا نمی‌کند و این دلیلی برای تغایر وجود و ماهیت است نه عینیت آنها.

علت ردّ گزینه «۴»: وجود و ماهیت در خارج از ذهن دو مفهوم از یک موجودند که به یک چیز واحد تعلق می‌گیرند نه این که جمع یا ترکیب شده باشند.